

ترجمہ و شرح

# بدایۃ الحکمت

جلد اول

علامہ سید محمد حسین طباطبائی

دکتر علی شیروانی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

## فهرست مطالب

|                                                       |    |                                                     |    |
|-------------------------------------------------------|----|-----------------------------------------------------|----|
| تعریف حقیقی و تعریف لفظی.....                         | ۳۶ | پیشگفتار و ویرایش دوم.....                          | ۱۳ |
| تعریف حقیقی نداشتن مفهوم «وجود».....                  | ۳۷ | پیشگفتار و ویرایش نخست.....                         | ۱۵ |
| بررسی آنچه به عنوان تعریف وجود بیان شده است.....      | ۳۸ | تعریف، موضوع و غایت این علم.....                    | ۱۸ |
| ۱. اشتراک معنوی مفهوم وجود.....                       | ۴۰ | تعریف حکمت الهی.....                                | ۲۰ |
| ۲. تعریف اشتراک معنی و اشتراک لفظی.....               | ۴۰ | موضوع حکمت الهی.....                                | ۲۱ |
| ۳. آیا این بحث، یک بحث لفظی است یا فلسفی؟.....        | ۴۱ | غایت حکمت الهی.....                                 | ۲۲ |
| ۴. جایگاه این بحث.....                                | ۴۲ | مراد از قید «به نحو کلی».....                       | ۲۳ |
| ۵. بدهات اشتراک معنوی مفهوم وجود.....                 | ۴۳ | نیاز به فلسفه.....                                  | ۲۳ |
| ۶. وجود ذاتی بر ماهیت و عارض بر آن است.....           | ۵۲ | سه امر بدیهی و غیر قابل تشکیک.....                  | ۲۵ |
| ۷. زیادت وجود بر ماهیت در خارج.....                   | ۵۵ | فلسفه در تصدیق موضوعش بی نیاز از دیگر علوم است..... | ۲۶ |
| ۸. زیادت وجود بر ماهیت در ذهن.....                    | ۵۵ | بازگشت به اصل بحث: چرا به فلسفه نیاز مندیم؟.....    | ۲۷ |
| ۹. دو نکته.....                                       | ۵۶ | نگاهی دوباره به تعریف، موضوع و غایت حکمت الهی.....  | ۲۸ |
| ۱۰. ادله زیادت وجود بر ماهیت.....                     | ۵۶ | فلسفه اولی و علم اعلی.....                          | ۲۸ |
| ۱۱. دلیل اول: وجود را می توان از ماهیت سلب کرد.....   | ۵۷ | نظری دوباره بر غایت حکمت الهی.....                  | ۳۰ |
| ۱۲. دلیل دوم: حمل وجود بر ماهیت نیازمند دلیل است..... | ۵۸ | بخش اول: مباحث کلی وجود                             |    |
| ۱۳. دلیل سوم: حمل نقیض وجود بر ماهیت معتنع نیست.....  | ۵۹ | ۱. بدهات مفهوم وجود.....                            | ۳۳ |
| ۱۴. اصالت وجود و اعتباریّت ماهیت.....                 | ۶۰ | بدهات موضوع فلسفه در تصور و تصدیق.....              | ۳۳ |
| ۱۵. مقصود از «وجود» در عنوان بحث.....                 | ۶۱ | تصورات بدیهی و نظری.....                            | ۳۴ |
|                                                       |    | بدهات مفهوم وجود.....                               | ۳۵ |

- ۹۳.....حقایق متباین به تمام ذات هستند
- ۹۴.....کثرت یک امر حقیقی است
- ۹۴.....اختلاف وجودهای متکثر به تمام ذات است
- ۹۵.....نقد دلیل حکیمان مشاء
- ۹۶.....وجود یک حقیقت تشکیکی است
- ۹۸.....برهان بر وحدت حقیقت وجود
- چرا نمی توان مفهوم واحد را از مصادیق کثیر
- ۹۹.....بماهو کثیر انتزاع کرد؟
- ۱۰۱.....چکیده سخن
- ۱۰۲.....برهان مشکک بودن حقیقت وجود
- ۱۰۳.....مخصّصات وجود
- ۱۰۴.....نور و جوه سه گانه تخصّص
- ۱۰۵.....حقیقت وجود و جوه سه گانه تخصّص
- ۱۰۶.....نحوه عروض وجود بر ماهیت
- حل یک اشکال معروف درباره حمل وجود
- ۱۰۷.....بر ماهیت
- ۱۰۹.....بیان اشکال
- ۱۱۰.....نقل و نقد پاسخ های دیگران
- ۱۱۱.....پاسخ نخست و نقد آن
- ۱۱۲.....پاسخ دوم و نقد آن
- ۱۱۳.....پاسخ سوم و نقد آن
- ۱۱۴.....پاسخ چهارم و نقد آن
- ۱۱۵.....یک نکته
- ۱۱۶.....پاسخ صحیح
- ۱۱۷.....۱. احکام سلبی وجود
- موضوع این بحث حقیقت خارجی وجود
- ۱۱۷.....است نه مفهوم آن
- در این بحث نظر به مرتبه خاصی از
- وجود نیست
- ۱۱۸.....احکام سلبی وجود از باب سلب نقص است
- این احکام درباره خداوند نیز صادق است
- ۱۱۹.....۱. وجود، «غیر» ندارد
- توضیحی درباره ماهیت و مفاهیم ماهوی
- ۶۳.....معنای اصالت و اعتباریت
- ۶۵.....احتمالات مسئله
- ۶۶.....دلیل اول بر اصالت وجود
- ۶۸.....دفع یک شبهه
- ۶۹.....دلیل دوم
- حمل بیانگر اتحاد میان موضوع و محمول است
- ۷۰.....حمل شایع و حمل اولی
- ۷۰.....ماهیات خاستگاه کثرتند
- ۷۱.....دلیل سوم
- ۷۲.....دلیل چهارم
- ۷۳.....مفاهیم متواطی و مشکک
- ۷۴.....عدم تشکیک در ماهیت
- ۷۴.....حقایق خارجی اختلاف تشکیکی دارند
- ۷۵.....دلیل طرفداران اصالت ماهیت
- ۷۷.....نقد و بررسی
- بررسی نظریه اصالت وجود در واجب و
- اعتباری بودن آن در ممکنات
- ۷۸.....واسطه در عروض
- ۸۰.....وحدت تشکیکی وجود
- ۸۲.....نظریه وحدت وجود و موجود و نقد آن
- ۸۴.....نظریه وحدت وجود و کثرت موجود و نقد آن
- ۸۵.....نظریه کثرت وجود و موجود
- ۸۶.....نظریه وحدت در عین کثرت
- ۸۶.....انواع امتیاز
- ۸۷.....اختلاف تشکیکی
- ۸۸.....بازگشت به اصل بحث: بازنگری نظریه سوم
- و چهارم
- ۸۹.....توضیح بیشتر درباره اختلاف تشکیکی
- ۹۰.....کثرت طولی و کثرت عرضی نور حسی
- ۹۱.....کثرت طولی و کثرت عرضی وجود
- ۹۲.....دلیل مشابهن بر این که وجودهای خارجی

|     |                                          |     |                                         |
|-----|------------------------------------------|-----|-----------------------------------------|
| ۱۵۸ | بررسی چند قضیه دیگر که موهم تناقض اند    | ۱۲۰ | ۲. وجود، ثانی ندارد                     |
| ۱۵۹ | شبهه نخست و پاسخ آن                      | ۱۲۲ | ۳. حقیقت وجود نه جوهر است و نه عرض      |
| ۱۵۹ | شبهه دوم و پاسخ آن                       | ۱۲۲ | توضیحی درباره جوهر و عرض                |
| ۱۶۰ | شبهه سوم و پاسخ آن                       | ۱۲۳ | دلیل جوهر و عرض نبودن وجود              |
| ۱۶۲ | ۱۲. بازگرداندن خود معدوم محال است        | ۱۲۴ | ۴. وجود، جزء چیزی نیست                  |
| ۱۶۳ | امتناع اعاده معدوم از فطریات است         | ۱۲۵ | ۵. وجود، جزء ندارد                      |
| ۱۶۳ | اعاده معدوم یعنی چه؟                     | ۱۲۷ | ترکیب اعتباری و ترکیب حقیقی             |
| ۱۶۴ | تبیین امتناع اعاده معدوم بر اساس دو اصل  | ۱۲۷ | اقسام ترکیب حقیقی                       |
| ۱۶۵ | دلیل اول بر امتناع اعاده معدوم           | ۱۳۱ | ۶. وجود، نوع نیست                       |
| ۱۶۶ | دلیل دوم                                 | ۱۳۲ | یک نکته                                 |
| ۱۶۹ | دلیل سوم                                 | ۱۳۳ | ۸. معنای نفس الامر                      |
| ۱۶۹ | نسبت زمان به اشیاى زمانمند               | ۱۳۴ | انواع ثبوت                              |
| ۱۷۱ | تقریر دلیل سوم                           | ۱۳۷ | نفس الامر و مناط صدق و کذب قضایا        |
| ۱۷۲ | دلیل چهارم                               | ۱۳۹ | قضایای خارجی                            |
| ۱۷۴ | دلیل متکلمان بر جواز اعاده معدوم و رد آن | ۱۳۹ | قضایای ذهنی                             |
| ۱۷۶ | پاسخ استدلال متکلمان                     | ۱۴۰ | یک نکته                                 |
| ۱۷۶ | رابطه معاد با مسئله اعاده معدوم          | ۱۴۱ | تفسیری دیگر از نفس الامر و نقد آن       |
|     | بخش دوم: تقسیم وجود به خارجی و ذهنی      | ۱۴۳ | ۹. مساوق بودن شئیت با وجود              |
| ۱۸۱ | مقدمه                                    | ۱۴۵ | نظریه اول: ثبوت، اعم مطلق از وجود است   |
| ۱۸۱ | اشاره‌ای به تاریخچه این بحث              |     | نظریه دوم: میان وجود و عدم واسطه‌ای در  |
| ۱۸۲ | فهرستی از مطالب این بخش                  | ۱۴۶ | کار است                                 |
| ۱۸۴ | تقسیم وجود به خارجی و ذهنی               | ۱۴۸ | ۱۰. در عدم، تمایز و علیت نیست           |
|     | نظریه مشهور حکیمان مسلمان در مسئله       | ۱۴۹ | در عدم تمایز نیست                       |
| ۱۸۵ | وجود ذهنی                                | ۱۴۹ | تمایز فرع بر تحقق داشتن است             |
| ۱۸۵ | آثار مطلوب از ماهیت                      | ۱۴۹ | دفع یک توهم                             |
| ۱۸۷ | تحلیل نظریه حکما                         | ۱۵۰ | در عدم، علیت نیست                       |
| ۱۸۸ | بیانی از استاد مطهری در تبیین نظریه حکما | ۱۵۲ | اسناد علیت به اعدام، یک اسناد مجازی است |
| ۱۹۰ | نظریه اشباح و نقد آن                     | ۱۵۲ | یک تشبیه                                |
| ۱۹۱ | نقد نظریه اشباح                          | ۱۵۴ | ۱۱. از معدوم مطلق نمی توان خبر داد      |
| ۱۹۲ | دفاع از نظریه اشباح                      |     | شبهه تناقض در قضیه «از معدوم مطلق خبر   |
| ۱۹۲ | دفع دفاع مذکور                           | ۱۵۶ | داده نمی شود»                           |
|     |                                          |     | حل شبهه بر اساس تفکیک میان حمل اولی و   |
|     |                                          |     | حمل شایع                                |

|                                                   |                                      |
|---------------------------------------------------|--------------------------------------|
| نظریه اضافہ..... ۱۹۳                              | ۶. نظریه صدر المتألهین..... ۲۲۲      |
| اضافه یک امر انتزاعی است..... ۱۹۴                 | حمل اولی و حمل شایع..... ۲۲۷         |
| نقد نظریه اضافہ..... ۱۹۵                          | هر حملی دلیل بر اندراج موضوع در      |
| ادله وجود ذهنی - دلیل اول..... ۱۹۵                | محمول نیست..... ۲۲۷                  |
| بیان یک نکته درباره ادله وجود ذهنی..... ۱۹۶       | لزم تفکیک میان حمل اولی و حمل شایع   |
| موقعیت تاریخی ادله وجود ذهنی..... ۱۹۷             | در ایجاب اندراج..... ۲۲۸             |
| ادله مذکور تنها یک بخش از مدعای حکما              | صورت ذهنی مندرج در مقوله خارجی       |
| را اثبات می کند..... ۱۹۷                          | خود نیست..... ۲۳۰                    |
| اثبات وجود ذهنی بر اساس قاعده فرعیت..... ۱۹۸      | صورت ذهنی تنها مندرج در مقوله        |
| دلیل دوم..... ۱۹۹                                 | کیف است..... ۲۳۰                     |
| دلیل سوم..... ۲۰۰                                 | صورت ذهنی دو حیثیت دارد..... ۲۳۰     |
| صرف یک ماهیت هرگز متکثر نمی شود..... ۲۰۱          | مناقشه محقق سبزواری در سخن           |
| وحدت ماهیت صرف، همراه با عمومیت                   | صدر المتألهین..... ۲۳۳               |
| است..... ۲۰۱                                      | نظری بر آنچه محقق سبزواری در شرح     |
| یک نکته..... ۲۰۲                                  | منظومه آورده..... ۲۳۳                |
| اشکال های نظریه وجود ذهنی - اشکال اول..... ۲۰۳    | بازگشت به اصل بحث و بررسی مناقشه     |
| اشکال دوم..... ۲۰۵                                | مرحوم سبزواری..... ۲۳۸               |
| مقایسه ای میان اشکال اول و اشکال دوم..... ۲۰۷     | محمول بالضمیمه و خارج محمول..... ۲۴۰ |
| تلاش های ناموفق برای حل اشکال های                 | بازگشت به کلام محقق سبزواری..... ۲۴۱ |
| وجود ذهنی..... ۲۱۰                                | اضافه مقولی و اضافه اشراقی..... ۲۴۱  |
| تقریری دیگر از اشکال دوم..... ۲۱۱                 | پاسخ به مناقشه محقق سبزواری..... ۲۴۳ |
| ۱. نظریه اضافہ یا انکار مقدمه اول..... ۲۱۲        | دنباله اشکال های نظریه وجود ذهنی     |
| ۲. نظریه اشباح یا انکار مقدمه سوم..... ۲۱۳        | - اشکال سوم..... ۲۴۴                 |
| ۳. نظریه مغایرت میان علم و معلوم یا               | پاسخ اشکال سوم..... ۲۴۷              |
| انکار مقدمه دوم..... ۲۱۳                          | اشکال چهارم..... ۲۴۸                 |
| نقد و بررسی..... ۲۱۵                              | پاسخ اشکال چهارم..... ۲۴۹            |
| ۴. نظریه انقلاب یا انکار مقدمه سوم..... ۲۱۶       | اشکال پنجم..... ۲۵۰                  |
| یک اشکال بر نظریه انقلاب..... ۲۲۰                 | دفع یک توهم..... ۲۵۱                 |
| پاسخ سید سند به اشکال فوق..... ۲۲۰                | پاسخ اشکال پنجم..... ۲۵۲             |
| نقد و بررسی..... ۲۲۱                              | اشکال ششم..... ۲۵۴                   |
| ۵. نظریه محقق دوانی یا انکار مقدمه چهارم..... ۲۲۲ | پاسخ اشکال ششم..... ۲۵۷              |
| نقد و بررسی..... ۲۲۴                              | اشکال هفتم..... ۲۵۹                  |

|                                                          |     |
|----------------------------------------------------------|-----|
| بخش چهارم: مواد سه گانه: وجوب، امکان و امتناع            | ۲۹۱ |
| مقدمه                                                    | ۲۹۱ |
| تبعی بودن بحث از امتناع                                  | ۲۹۱ |
| ماده و اصطلاحات گوناگون آن                               | ۲۹۱ |
| مواد سه گانه در منطق و فلسفه                             | ۲۹۳ |
| ۱. تعریف مواد سه گانه و بیان انحصار مواد در آنها         | ۲۹۵ |
| چرا مقسم مواد ثلاث، مفهوم قرار داده شده                  | ۲۹۶ |
| ماهیت؟                                                   | ۲۹۶ |
| مقسم مواد سه گانه مفهوم بما هو مفهوم نیست                | ۲۹۶ |
| بیان انحصار مواد در وجوب، امکان و امتناع                 | ۲۹۶ |
| مواد سه گانه بی نیاز از تعریف اند                        | ۲۹۷ |
| ملاک بداهت                                               | ۲۹۷ |
| مفاهیم عام                                               | ۲۹۸ |
| مواد ثلاث از مفاهیم عامند                                | ۲۹۹ |
| دوری بودن تعاریفی که برای مواد سه گانه بیان شده است      | ۳۰۰ |
| ۲. تقسیم هریک از مواد به «بالذات» و «بالغیر» و «بالقیاس» | ۳۰۱ |
| ما بالذات                                                | ۳۰۲ |
| ما بالغیر                                                | ۳۰۳ |
| ما بالقیاس                                               | ۳۰۳ |
| یک نکته                                                  | ۳۰۴ |
| موارد وجوب بالذات، بالغیر و بالقیاس                      | ۳۰۵ |
| ۱. وجوب بالذات                                           | ۳۰۵ |
| ۲. وجوب بالغیر                                           | ۳۰۶ |
| ۳. وجوب بالقیاس                                          | ۳۰۶ |
| مواد امتناع بالذات، بالغیر و بالقیاس                     | ۳۰۷ |
| ۱. امتناع بالذات                                         | ۳۰۷ |
| ۲. امتناع بالغیر                                         | ۳۰۸ |
| ۳. امتناع بالقیاس                                        | ۳۰۸ |
| موارد امکان بالذات و بالقیاس                             | ۳۰۹ |

|                                                                         |     |
|-------------------------------------------------------------------------|-----|
| پاسخ اشکال هفتم                                                         | ۲۶۱ |
| یک نکته                                                                 | ۲۶۲ |
| بخش سوم: تقسیم وجود به مستقل و رابط و تقسیم وجود مستقل به لنفسه و لغیره |     |
| ۱. وجود مستقل و رابط                                                    | ۲۶۵ |
| مفهوم مستقل وجود و مفهوم ربطی وجود                                      | ۲۶۷ |
| فرق میان مفاهیم اسمی و مفاهیم حرفی                                      | ۲۶۷ |
| مفاهیم حرفی مفاهیمی «فی غیره» هستند                                     | ۲۶۸ |
| تفاوت میان مفهوم مستقل و مفهوم ربطی وجود                                | ۲۶۹ |
| آیا وجود رابط در خارج تحقق دارد؟                                        | ۲۷۰ |
| دلیل بر تحقق خارجی «وجود رابط»                                          | ۲۷۰ |
| دو نکته                                                                 | ۲۷۱ |
| احکام وجود رابط: حکم نخست                                               | ۲۷۳ |
| حکم دوم                                                                 | ۲۷۴ |
| یک نکته                                                                 | ۲۷۴ |
| حکم سوم                                                                 | ۲۷۵ |
| یک نکته                                                                 | ۲۷۶ |
| ۲. نحوه اختلاف بین رابط و مستقل                                         | ۲۷۷ |
| استدلال علامه بر نوعی نبودن اختلاف میان وجود رابط و مستقل               | ۲۷۹ |
| استقلال و عدم استقلال مفهوم تابع وجودش است                              | ۲۸۰ |
| شرح کلام حضرت علامه از زبان استاد مصباح                                 | ۲۸۱ |
| ۳. تقسیم وجود به وجود لغیره و لنفسه                                     | ۲۸۳ |
| توضیح بیشتر درباره وجود لغیره و تفاوت آن با وجود فی غیره                | ۲۸۴ |
| تقسیم وجود لنفسه به وجود بنفسه و وجود بغیره                             | ۲۸۶ |
| چکیده بحث                                                               | ۲۸۶ |
| توضیحی درباره برخی از واژه های مربوط به این بخش                         | ۲۸۷ |

۱. امکان بالذات ..... ۳۱۰
۲. امکان بالقياس ..... ۳۱۰
- تحقق امکان بالغیر محال است ..... ۳۱۱
۳. ماهیت واجب الوجود همان وجود است ..... ۳۱۲
- مقصود از ماهیت در عنوان فصل ..... ۳۱۳
- همه امور عرضی محتاج به علت اند ..... ۳۱۴
- علت وجود، تقدم وجودی بر معلول خود دارد ..... ۳۱۵
- واجب تعالی «ماهیت» به معنای چیستی ندارد ..... ۳۱۵
- بیانی از استاد جوادی آملی ..... ۳۱۷
- منشأ انتزاع وجوب ذاتی ..... ۳۱۸
۴. واجب الوجود بالذات، در همه ابعاد واجب الوجود است ..... ۳۲۰
۵. شیء تا واجب نگردد موجب نمی شود و اعتقاد به اولویت باطل است ..... ۳۲۲
- اصل علت ..... ۳۲۳
- رابطه میان علت و معلول از دیدگاه حکیمان ..... ۳۲۳
- رابطه میان علت و معلول از دیدگاه متکلمان یا نظریه اولویت ..... ۳۲۴
- اقسام اولویت ..... ۳۲۵
- رد نظریه اولویت ..... ۳۲۶
- ضرورت به شرط محمول ..... ۳۲۹
- فرق میان ضرورت به شرط محمول در اصطلاح منطق و فلسفه ..... ۳۳۰
۶. معانی امکان ..... ۳۳۲
۱. امکان خاص یا خاصی ..... ۳۳۳
۲. امکان عام یا عامی ..... ۳۳۳
۳. امکان اخص ..... ۳۳۴
۴. امکان استقبالی ..... ۳۳۵
- مناقشه در تحقق امکان استقبالی ..... ۳۳۶
- سخن حکیم سبزواری درباره امکان استقبالی ..... ۳۳۷
- دو اصطلاح دیگر برای امکان ..... ۳۳۷
- امکان وقوعی ..... ۳۳۸
- فرق میان امکان وقوعی و امکان عام ..... ۳۳۹
- امکان استعدادی ..... ۳۴۰
- فرق میان امکان استعدادی و امکان ذاتی ..... ۳۴۰
- فرق اساسی میان امکان ذاتی و امکان استعدادی ..... ۳۴۲
- دو نکته ..... ۳۴۴
- تفاوت های دیگر میان امکان استعدادی و امکان ذاتی ..... ۳۴۴
۱. امکان استعدادی قابل شدت و ضعف است ..... ۳۴۴
۲. امکان استعدادی زائل شدنی است ..... ۳۴۵
۳. امکان استعدادی تعیین دهنده است ..... ۳۴۶
- فرق میان امکان استعدادی و امکان وقوعی ..... ۳۴۷
۷. امکان، یک اعتبار عقلی است ملازم با ماهیت ..... ۳۴۸
- امکان یک اعتبار عقلی است ..... ۳۴۸
- سازگاری امکان ذاتی با وجوب و امتناع غیری و به شرط محمول ..... ۳۴۹
- امکان، لازمه ماهیت است ..... ۳۵۰
- اشاره به یک توهم و پاسخ آن ..... ۳۵۱
۸. نیازمندی ممکن به علت و منشأ آن ..... ۳۵۳
- قانون علت ..... ۳۵۴
- بدیهیات اولیه ..... ۳۵۴
- قانون علت از بدیهیات اولیه است ..... ۳۵۵
- اصلی که قانون علت مبتنی بر آن است ..... ۳۵۵
- ملاک نیاز به علت چیست؟ ..... ۳۵۶
- نظر حکیمان در این باره ..... ۳۵۷
- دیدگاه متکلمان در این مسئله ..... ۳۵۷
- دلیل اول حکما بر این که مناط نیاز به علت امکان است ..... ۳۵۷
- دلیل دوم ..... ۳۵۹

|                                                |                                                   |
|------------------------------------------------|---------------------------------------------------|
| مفاهیمی که اتصافشان ذهنی است یا «معقولات       | انتزاع مفاهیم گوناگون از یک پدیده..... ۳۶۰        |
| ثانیۂ منطقی»..... ۳۷۴                          | تقریر دلیل دوم..... ۳۶۱                           |
| مفاهیمی که اتصافشان خارجی است..... ۳۷۵         | احتجاج متکلمان بر این که ملاک احتیاج به           |
| معقولات اولیه..... ۳۷۵                         | علت حدوث است..... ۳۶۴                             |
| بازگشت به اصل بحث..... ۳۷۶                     | دو پاسخ به احتجاج متکلمان..... ۳۶۵                |
| وجوب و امکان وجود مستقل ندارند..... ۳۷۷        | ۹. ممکن علاوه بر حدوث در بقائیز محتاج به علت      |
| امتناع یک امر عدمی است..... ۳۷۸                | است..... ۳۶۸                                      |
| وجوب و امان از دیدگاهی دیگر..... ۳۷۸           | رابطۂ این بحث با بحث پیشین..... ۳۶۹               |
| ضمیمه: شرح حال علامۂ طباطبائی                  | دلیل اول بر نیازمندی ممکن به علت در بقاء..... ۳۷۰ |
| وسه دستور العمل اخلاقی                         | دلیل دوم..... ۳۷۰                                 |
| شرح حال خودنوشت آیت حق علامه طباطبائی..... ۳۸۳ | دلیل متکلمان بر استغنائی ممکن از علت در           |
| زندگی من..... ۳۸۳                              | بقاء..... ۳۷۱                                     |
| سلوک عملی علامه * به نوشته آیه الله ابراهیم    | پاسخ به ارجاج متکلمان..... ۳۷۲                    |
| امینی..... ۳۸۷                                 | وجوب و امکان از امور وجودی هستند..... ۳۷۳         |
| سه دستور العمل اخلاقی..... ۳۹۷                 | خاتمه..... ۳۷۳                                    |

## پیشگفتار ویرایش دوم

سپاس و ستایش خدای را که نعمت‌هایش بر بندگان جاری و رحمتش در دو جهان ساری است و سلام و درود بی‌کران الهی بر انبیا و اولیای حق، به‌ویژه خاتم رسولان، حضرت محمد مصطفی و خاندان عصمت و طهارت.

از زمان انتشار چاپ نخست شرح بدایة الحکمه، که اینک ویرایش دوم آن تقدیم حکمت‌جویان می‌شود، بیش از چهارده سال می‌گذرد. در آن هنگام که در کار نگارش این شرح بودم و روزگار جوانی را می‌گذراندم، هرگز گمان نمی‌کردم این نگاشته چنین سودمند افتد و مورد پسند ارباب فضل و فضیلت قرار گیرد و نگارنده این‌گونه مورد تشویق و تکریم فلسفه‌دوستان قرار گیرد. از آن زمان تاکنون، آثار متعددی از این قلم منتشر شده، اما هیچ‌کدام به اندازه شرح بدایة الحکمه و سپس شرح نهایة الحکمه، تأثیرگذار نبود. بسیاری از اساتید حوزه و دانشگاه که این شرح را خوانده و از آن بهره‌برده بودند به‌طور شفاهی و حضوری، با بزرگواری، این بنده را به لطف و مهر و محبت خویش نواختند.

باری، شرح بدایة الحکمه، پس از چندی توسط آقای حبیب فیاض، نویسنده‌ای لبنانی که در دانشگاه تهران فلسفه آموخته است، با کسب اجازه از نگارنده، به زبان عربی ترجمه و توسط مؤسسه دارالهادی در بیروت انتشار یافت و بدین ترتیب، از مرزهای ایران و دیگر کشورهای فارسی‌زبان فراتر رفت و به جهان عرب راه یافت؛

همچنین در نخستین جشنواره کتاب سال دانشجویی، برگزیده و از سوی رئیس مجلس شورای اسلامی لوح تقدیر دریافت کرد و در برخی مجلات، مقالاتی در معرفی و بیان مزایای آن، منتشر و بهترین شرح نگاشته شده بر این کتاب به شمار آمد. از آن زمان تاکنون - با آنکه از یک سو، شرح‌های متعددی بر این دو کتاب نوشته و منتشر شد و از سوی دیگر، نشر و توزیع این کتاب به نحو مطلوب صورت نمی‌گرفت و همواره دسترسی به آن با دشواری مواجه بوده - به فضل الهی همچنان مورد توجه و اقبال علاقه‌مندان به فلسفه در حوزه و دانشگاه بوده و هست. خداوند را بر این همه لطف، سپاس.

اینک که فرصتی دست داد تا نگاهی دوباره بر این شرح افکنم و غبار گذشت زمان را از چهره‌اش برویم، بسیار خرسندم که جز افزودن چند پانوش، نیازی به تجدیدنظر نیافتم و تنها در شکل و صورت نگارش، تلاش شد استانداردهای ویرایش را - که سوگوارانه هنوز اجماعی بر آن صورت نگرفته و در موارد فراوانی سلیقه‌ای است - در نظر بگیرم، و غلط‌های مربوط به حروفچینی را اصلاح کنم و جامه‌ای زیباتر بر قامت آن بپوشانم. از خدای علیم دیان، برای همه عزیزان و بزرگوارانی که این بنده را شرمنده لطف خویش ساختند، فزونی توفیق و شادکامی در دو جهان خواهانم.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

علی شیروانی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

۸۵/۱/۱۸

## پیشگفتار ویرایش نخست

الحمد لله رب العالمين و الصلوة على سيد الأنبياء محمد وآله الطاهرين.  
نوشتار حاضر حاوی متن، ترجمه و شرح کتاب گرانسنگ بدایة الحکمة، تألیف بزرگ حکیم عالم اسلام، علامه سید محمدحسین طباطبائی رحمته الله است. علامه فقید، بدایة الحکمة را، در پاسخ به درخواست برخی از نزدیکان، به عنوان نخستین متن درسی برای جویندگان حکمت الهی به رشته تحریر در آورد و در سال ۱۳۹۰ هجری قمری، در حالی که حدود ۶۷ سال از عمر شریفش می گذشت، نگارش آن را به انجام رساند. علامه طباطبائی - طاب ثراه - در تفکر فلسفی خویش از شیفتگان و پیروان مکتب نابغه بزرگ جهان اسلام، صدرالحکماء المتألّهین، صدرالدین شیرازی - رضوان الله علیه - است، و بدایة الحکمة در واقع چکیده فلسفه صدرایی، موسوم به «حکمت متعالیه» است که با توجه به آخرین سیر تکاملی آن تنظیم شده است.  
بدایة الحکمة کتابی است کاملاً استدلالی که در آن جز دلیل و برهان یافت نمی شود؛ نوشتاری است پیراسته از حشو و زوائد، متین و استوار؛ و به جرأت می توان گفت: مقامش در حکمت متعالیه همسان منزلت اشارات بوعلی است در حکمت مشاء. عباراتش گرچه موجز است، مغلق نیست؛ در عین اختصار، جامع است و مهمترین عناوین و موضوعات حکمت الهی را در بردارد.  
نگارنده از آغاز آشنایی اش با این کتاب ارزشمند، شیفته آن شد و آن را دُرّی

ثمین یافت دارای مقامی منیع و منزلتی عظیم، چونان مؤلف بزرگوارش؛ و مایه بسی خرسندی و شادمانی است که مجامع علمی و فرهنگی میهن اسلامی ما، اعم از حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها، با آغوشی گشوده از بدایه استقبال کرده و آن را در جایگاه شایسته‌اش قرار داده‌اند.

اما ایجاز و اختصار عبارات کتاب و فشردگی مطالب عرضه شده در آن موجب گشته بسیاری از مقاصد کتاب برای نوآموزان این رشته پوشیده ماند و دانشجویان، محتوای آن را آن‌گونه که بایسته است در نیابند و از این رو، ضرورت نگارش شرحی که مبین مقاصد کتاب و روشنگر محتوای آن باشد احساس شد و نوشتار حاضر، محصول تلاشی است که در جهت پاسخ به این نیاز انجام یافت.

درباره این نوشتار نکاتی چند است که تذکارش در این مقدمه سودمند می‌نماید:

۱. در سراسر این مکتوب کوشش شده است که پیش از بیان ادله و جرح و تعدیل اقوال گوناگون، موضوع و محمول بحث کاملاً تبیین گردد و حدود و ثغور آن مشخص شود، چرا که در مسائل فلسفی نوعاً تصور صحیح موضوع و محمول مسئله از تصدیق آن دشوارتر و بیشتر کج فهمی‌ها در مسائل فلسفی در اثر نداشتن تصویری صحیح از اصل مسئله است، و به جرأت می‌توان گفت: در بسیاری از موارد پس از تصور صحیح موضوع و محمول قضیه، دیگر نیازی به اقامه دلیل و برهان برای اثبات مدعا نیست و انسان خود به خود آن را خواهد پذیرفت.

۲. همان‌گونه که یادآوری شد، بدایه آکنده از استدلال و برهان است. در این نوشتار سعی شده تا هر یک از براهین در قالب منطقی قرار گیرد و تک تک مقدمات آن، در صورت نیاز به شرح و توضیح، تبیین گردد؛ و اگر احیاناً برخی از مقدمات در متن نیامده، در شرح ذکر شود و هر دلیل به گونه‌ای تنظیم گردد که دریافت و پذیرش آن هر چه سهل‌تر باشد.

۳. در تنظیم و نگارش این شرح از کتاب‌های فراوانی سود برده‌ام، اما در این میان سهم بیشتر از آن آثار استاد شهید مرتضی مطهری<sup>۱</sup> است، به ویژه پاورقی‌های اصول فلسفه و روش رئالیسم، شرح مبسوط منظومه و شرح منظومه؛ چرا که استاد مطهری در حسن تقریر و شیوایی بیان کم‌نظیر بود و دشوارترین مطالب را به آسان‌ترین وجه

بیان می‌کرد، همان چیزی که در سراسر این مکتوب مدّ نظر نگارنده بوده است. لذا در پاره‌ای موارد که نحوهٔ تقریر آن شهید سعید را در تبیین بهتر مطلب مفید دانستم آن تقریر را بدون تصرّف نقل کردم.

شرح منظومهٔ محقق سبزواری -ره- و حواشی و تعلیقات گوناگون آن، نه‌ایة الحکمة و تعلیقهٔ آن و اسفار و شرح آن نیز از کتاب‌هایی بوده‌اند که مراجعهٔ دائم و مکرر به آنها داشته‌ام.

۴. سعی شده است مطالب با عباراتی روان و سلیس، بدون بکارگیری اصطلاحات نامأنوس و بطور دسته‌بندی شده عرضه گردد تا دریافت مطالب و به ذهن سپردن آن هر چه آسان‌تر باشد.

۵. پیش از این، ترجمهٔ بدایه به قلم نگارندهٔ این سطور به زیور طبع آراسته شد و با استقبال روبرو گشت، اما برای آن که مجموعهٔ حاضر، از هر جهت کامل باشد، همان ترجمه را -البته با تجدید نظر و در پاره‌ای موارد، نگارش دوباره- در این مجموعه آوردم. در پایان بر خود فرض می‌دانم به موجب حدیث شریف «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْخَلْقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» از تمام عزیزان و سرورانی که به گونه‌ای در سامان دادن این اثر، نگارنده را یاری دادند، تشکر و قدردانی کنم به ویژه دانشور گرانمایه جناب استاد فیاضی که با تذکرات سودمندشان نگارنده را در رفع نقایص این مکتوب یاری فرمودند.

امید آن که عزیزانی که بر این نوشتار نظر می‌کنند در صورت مشاهدهٔ لغزش و خطا نویسنده را از سر لطف و بزرگواری تذکار دهند و او را از اشتباهش آگاه سازند که مایهٔ بسی امتنان خواهد بود.

پروردگارا! تو خود به ما حکمت آموز و ما را خُلق و خوی حکیمانه کرامت فرما و گام‌هایمان را در راه اقامهٔ دینت، که سراسر حکمت است، استوار گردان و توفیقمان ده که قلم و زبانمان را در راه توبه کار گیریم، تا نوشتار و گفتارمان مرضی تو باشد.

و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین  
تیرماه ۱۳۷۰ علی شیروانی